



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



محمد صالح گردش / جغرافیه

۲۹/۱۱/۲۰۲۱

دو کلمه کرز و آزره

«گرز» یکی از کلمه های اوستایی به معنی گله کردن، تظلم، داد خواهی، تضرع و زاری است چنان که این کلمه در یسنا، هات 29 بند 1، هات 32 بند 2 و بند 13 و هات 46 بند 2 آمده است. پور داود مصدر گرزیتن در زبان پهلوی و گرزیدن در زبان پارسی و نیز گرزش (بفتح اول و کسر ثالث) را که در زبان پارسی به معنی تظلم و داد خواهی، تضرع و زاری است، به همین ریشه نزدیک دانسته است. ر. ک: (یادداشت های گات ها ص 27)

گرزش در فرهنگ های پارسی نیز به همین معانی ست چنان که در فرهنگ دهخدا آمده است، گرزش: تظلم و داد خواهی و تضرع و زاری نمودن و با کاف تازی هم به نظر آمده (برهان) (آندراج). تظلم (صاح الفرس)

بده داد من زان لبانت و گر نه

سوی خواجه خواهم شد از تو بگرزش

(خسروانی) به نقل از: (لغت نامه دهخدا و صحاح الفرس)

پس طوری که از بیت خسروانی معلوم می گردد، گرزش یا کرزش به معنی داد خواهی و تظلم است.

شنیده ام که کرز یکی از محلات ولایت ارزگان است که اکثر باشندگان آن جا از قوم کرزی، یکی از اقوام پشتون، بوده و خاستگاه اجداد و پدران «حامد کرزی» رئیس جمهور اسبق کشور نیز از همان ناحیه می باشد. من که با معنی کلمه افغان، اسم ملی باشندگان کشور افغانستان، این که داد و فریاد و گریه در زبان پارسی باشد، موافق نیستم و کلمه افغان را از ریشه کلمه بگ (بغ) می دانم. ر. ک: (ریشه و معنی واژه اوستا. همین قلم. ص 101)، اما معنی کلمه کرز را که داد و فریاد است و در اسم یکی از محلات ارزگان به کار رفته است، رد نمی کنم. ولی این که چرا این ناحیه کرز نامیده شده است، نمی دانم و باید در این راستا به داستان های فولکلوریک مردم آن نواحی مراجعه نمود تا گره این راز گشوده شود. بسیار ممکن است که این ناحیه، محل و مرجع رسیدگی به حقوق و دادخواهی مردمان گذشته این محل و نواحی اطراف آن بوده باشد و احتمال دارد که ناحیه کرز یکی از مناطق تاریخی و دارای داشته های آثار باستانی نیز باشد. قابل یادکرد است که در اثر «منم تیمور جهانگشا»، امیر تیمور از مردمی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

به نام «کل زائی» از بزرگان باشند غور، که با ایشان جنگید و به سختی آن طایفه را شکست داد، یاد می‌کند. ممکن می‌دانم که کل زائی‌های که امیر تیمور در اثرش یاد آوری می‌کند، همین طایفه کرزی بوده باشند که شاید امیر تیمور با اتکاء به لهجه ادایی خودش از چنین کلمات، آن را کل زائی نوشته باشد. با تمسک به این کلمه اوستایی، کلمه کرزی ممکن است از دو جزء گرز + یای نسبت ساخته شده باشد. درین صورت کلمه کرزی به کسر «ز» خواهد بود و نه به فتح این حرف، مانند: مزاری، کابلی، زابلی و ... که با کسر حرف ماقبل از «ی» اداء می‌گردند. از یک دید دیگر می‌توان واژه «کرزی» را از دو جزء کر + زی پنداشت. در این صورت جزء کر به معنی خدا خواهد بود. ر. ک: (ریشه و معنی واژه اوستا. همین قلم. ص 8) و جزء دوم از ریشه مصدر زاتن در زبان پهلوی، زادن در پارسی و زیگیدل در زبان پشتو. قابل یادکرد می‌دانم که من در مقاله «کرکر و مشتقات آن» در اثر «ریشه و معنی واژه اوستا، ص 8» بر علاوه معانی دیگر کلمه کر، آن را ریشه مصدر کردن در پارسی نیز دانسته بودم. اخیراً در جستجوی این کلمه در اوستا دانستم که حدس و گمانم دور از حقیقت نبوده است و کلمه کر، در اوستا، ریشه مصادر کرتن در پهلوی و کردن در پارسی بوده است، چنان که، در یسنا، هات 30 بند 9، هات 34 بند 7، هات 44 بند 7 و جا های دیگر، این کلمه به معنی کردن آمده است. بسیار ممکن است که این کلمه ریشه به زبان سانسکریت داشته باشد، زیرا اشکال افعالی از مصدر کردن و انجام دادن کاری، در زبان های هندی و پشتو نیز به همین ریشه پیوند می‌خورد.

«أذَرَ» نیز یکی از کلمه های اوستایی از ریشه اذ به معنی زیر و پایین است. کلمه اذَر در مهر یشت پاره 118 همچنین اذَر صفت بکار رفته به معنی زیرین در برابر اوپَر upara زبرین. در سانسکریت adhara ر. ک: (یادداشت‌های گات ها. ص 232)

پس کلمه اذَر نیز یکی از کلمه هایی خواهد بود که از زبان سانسکریت و از دهلیز زبان اسلاف پشتون ها به زبان اوستایی راه یافته باشد.

یکی از مناطق ولایت لوگر مسما به ازره (فتح اول و سکون دوم) می‌باشد. من که سال ها قبل و فقط یک بار از این ناحیه گذر نموده ام، تا جایی که به یاد دارم منطقه ازره در دامان پایین و به طرف شمال کوه های بلند پکتیا قرار دارد و در نواحی ازره کوه های شامخ پکتیا کاملاً پست و به یک دشت هموار مبدل می‌گردد. بنابراین ممکن می‌دانم که این ناحیه به سببی که در سطح پست و پایین از بلندی ها قرار گرفته، به همین اسم مسما گردیده باشد. نا گفته نباید گذاشت که اسم دیگر قبرستان را که در زبان پارسی، بعضی ها «حظیره» می‌نویسند، از همین ریشه باشد و هیأت های ازیره و ادیره صورت درست آن خواهد بود و ادیره به معنی «محل زیر یا زیرین و یا راه زیر» که همان قبرستان باشد، اسم با مسما و موجه به نظر می‌رسد و این کلمه، کلمه حظیره از زبان عربی که به معنی، چهار دیواری، جای خرما خشک کردن، جایی که برای چهار پایان درست کنند برای محافظت آن‌ها از باد و سرما که جمع آن در زبان عربی حظائر می‌شود، نخواهد بود؛ زیرا «أذئیری زم» که در تیر یشت پاره 48 آمده است به معنی زیر زمینی است. یاد آور باید شد که واژه ادیره در زبان پشتو بیشتر کاربرد دارد و در میان پارسی زبانان بیشتر کلمه های قبرستان و گورستان به کار گرفته می‌شود.

به نظر من اسم های این دو ناحیه کشور ما که از مناطق اقوام پشتون نشین و هر کدام زادگاه و سرزمین های پدری و اجدادی رؤسای جمهور اخیر کشور ما اند، ریشه به کلمه های اوستایی دارند. این هم می‌

تواند یکی از دلایلی باشد که زبان اوستایی با زبان پشتو قرابت و نزدیکی‌های خاص خود را داشته است؛ زیرا اسم‌های این اماکن بر علاوه اماکن دیگری که از آن‌ها در نوشته‌هایم سخن داشته‌ام و باز هم در نوشته‌های بعدی از اماکن دیگری سخن خواهم داشت، همه مناطق پشتون‌نشین اند که ریشه به کلمه‌های اوستایی دارند.